

نیم نگاهی به

کتاب آب آتش فروز

این کتاب گزیده‌ای از کتاب ده هزار بیتی حدیقة الحقیقة سنایی می‌باشد که توسط آقای دکتر رضا اشرف‌زاده به وسیله انتشارات جامی در سال ۲۳ چاپ گردیده است.

علت نوشتن این وجیزه ناچیز این بود که روزی از روزهای سرد زمستان گذرم به کتابفروشی ارگ تبریز افتاد از پشت ویتترین کتابی به نام آب آتش فروز دیدم از حرارت این آتش برافروخته احساس گرمی کرده و سر از پا شناخته و از خوشحالی در پوست نگنجیده و طبل شادی در زدم که بالاخره صبح دولت دمید و گزیده‌ای از این کتاب حجیم به چاپ رسید. کتاب را خریدم و در داخل اتوبوس شروع به مطالعه این کتاب کردم به این امید که علی‌التهایه گزیده‌ای از این کتاب چاپ شد.

آنچه انتظار می‌رفت این بود کتابی که از کل حدیقة الحقیقة چاپ می‌شود کتابی باشد که آن مجموعه در واقع شناسنامه و شناسای شاعر باشد. ولی متأسفانه گزینشی که از کتاب حدیقة الحقیقة توسط آقای دکتر اشرف زاده انجام گردیده فاقد آن خصوصیات است که ما در کل مجموعه ده هزار بیتی حدیقة با آن مواجه هستیم و در حدی نیست که دانشجویان رشته ادبیات فارسی را ارضاء کند و بتوانند از آن استفاده کنند.

مولوی به خاطر احترام زیادی که به سنایی قایل بود در اشعارش از وی با تکریم یاد می‌کند.

در تعظیم سنایی به وسیله مولوی تذکره‌نویسان ابیاتی را از وی نقل کرده‌اند:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او

ما از پی سنایی و عطار آمدیم^۱

و نیز در غزلیاتش گوید:

اگر عطار عاشق بد، سنایی شاه و فائق بد

نه اینم من، نه آنم من که گم کردم سر و پا را^۲

تکریم فوق العاده‌ای که مولوی از سنایی دارد و با توجه به اینکه تأثیر حدیقة الحقیقة در مثنوی مولوی محسوس است^۳ و به قول استاد دکتر زرین‌کوب آثار سنایی نوعی کتاب بالینی تلقی می‌شده است که در رشد اندیشه و افکار مولوی تأثیر بسزایی نیز گذاشته است، با این مقدمه کتاب حاضر بازگو کننده و گویای شخصیت، اندیشه و افکار این شاعر سترگ قرن ششم - که شعرهای وی سرآغاز و جرقه‌ای در ادبیات عرفانی بوده - نیست. حدیقه‌ای که واقعاً حدیقه گرانبهای از حکمت، مباحث دینی، اخلاقی و عرفانی است.

کسلی: مخفف که سلونی می‌باشد که اشاره دارد به کلام گهربار حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه شریف:

«أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي»

(خطبه ۱۸۹)

- در صفحه ۱۱۵ بیت ۳۰۱ در مورد «آیه الکبری» آورده‌اند:

برگرفته است از آیه شریفه «فَارَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى» (نازعات/۲۰)

در حالیکه بیت اشاره دارد به آیه شریفه: «لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى» (نجم: ۱۸/۵۳)

و نیز اشاره دارد به آیه شریفه: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسرى: ۱/۱۷)

چه، بیت در وصف معراج پیامبر است حال آنکه آیه ۲۰ سوره نازعات اشاره به معجزه حضرت موسی دارد.

- در صفحه ۱۱۵ بیت ۳۰۲ بیت بدین صورت نقل شده است،

یافته جای خواجه عقبی

قبه قرب لیلۃ القبری

در حالی که عبارت باید بدون اضافه بدین صورت باشد:

یافته جای خواجه عقبی

قبه قرب، لیل القبری

و معنای بیت بدین صورت است:

خواجه و سرور آخرین (پیامبر) در شب معراج در قبه قرب (مقام قرب الهی) جای یافته است.

- در صفحه ۱۲۸ بیت ۴۴۳ کدر به معنای تاریکی و سیاهی ضبط شده است در حالیکه کدر صفت و به معنای تیره و مکدر بوده و کدر به آن معنایی که نوشته شده درست است.

- در صفحه ۱۲۸ بیت ۴۴۴ معنی نشده است در حالی که ضرورت معنی کردن بیت دیده می‌شود.

حجت ایزد است در گهرن

خواندن علم و کار ناگردن

این بیت را به دو صورت می‌توان خواند و معنی کرد: یکی به صورت اضافی «کار ناگردن» که در این صورت معنای بیت چنین است:

خواندن و یاد گرفتن علم [انجام ندادن] کارناکردنی و قبیح، حجت خداوند بر گردن آدمی است. [زیرا انسان عالم، به جهت متصف بودن به علم، دیگر دنبال کارهای ناکردنی و ناروا نمی‌رود.]

و دیگر این که «کار ناگردن» بدون اضافه و بیت به صورت سؤالی خوانده شود:

آیا خواندن علم و عامل نبودن و عمل نکردن به آن حجت خداوند در گردن آدمی است؟

[آیا خداوند چنین دستوری به انسان داده است؟]

که در این صورت بیت به صورت استفهام انکاری است. - صفحه ۱۴۸ بیت ۶۷۸

به مکافات آن شوم مشغول

تا که از سر بیرون کنی توفضول

محمد فرمند

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد سراب

متأسفانه در کشور ما لااقل در رشته ادبیات فارسی یک سنت بدی حاکم و جاری است که این حتی در قشر تحصیل کرده‌های ما نیز رخنه پیدا کرده و آن راحت طلبی دانشجویان، بل خود است!

گزینش‌هایی که از کتابها انجام می‌پذیرد معمولاً معرف اثر، شخصیت و اندیشه مؤلف نبوده و نیست.

این یک اصل است که هرگاه خواستار ارتقاء سطح کیفی تعلیمات جامعه باشیم باید حداقل از مطرح کردن مسائل پیش پا افتاده اجتناب کنیم و مسائلی که واقعاً شایسته مطرح کردن است مطرح شود بلکه باید سطح مسائل مطروحه را بالا برده تا به استناد آیه و تعبیر قرآنی «تعالوا» سطح معلومات جامعه را بالا کشیم. در اینجا تنها به طرح چند مطلب در مورد این کتاب می‌پردازیم.

در این گزیده، از ابتدای کتاب حدیقة الحقیقة - که در واقع بهترین و فصیح‌ترین ابیات حدیقه و گویای اندیشه شاعر و اوج شاعری وی است - تنها به ابیاتی چند بسنده شده است.

در عنوان و تیتیر متن بعضی جایها عین عنوان آمده و در بعضی جایها با عوض کردن عنوان و تیتیر. برای نمونه در صفحه ۳۲ این کتاب آمده است: «کوران و احوال فیل» که انتظار می‌رفت که آیه قرآن^۴ که در اول متن مذکور است و در واقع کل حکایت در تفسیر و توضیح و تبیین این آیه بوده مطرح می‌شد.

در صفحه ۲۵ در حکایت «تمثیل در بیداری» بیتی آمده است:

نه بپرسید کاهلی ز علی

چون شنید از زبان دل کسلی

که بگوی ای امیر جان افروز

که شب تیره به بود یا روز؟

که در توضیح این بیت آمده است:

دل کسل: آن که دلش از شور و حال خالی است. دل مرده، دل افسرده.

معنایی که برای این لغت مطرح شده در واقع گویای بیت و متن نبوده و هیچگونه معنایی نوشته نشده، چه، هیچ محمل معنایی نمی‌توان بر آن فرض کرد! در حالی که عبارت باید بدین گونه باشد:

نه بپرسید کاهلی ز علی

چون شنید از زبان دل، کسلی

با گادامر در لحظه‌های هستی

• شیوا کاویانی

هایدگر در جلسه‌های سخنرانی آموزشی او در دانشگاه حضور می‌یافت. در خارج از آلمان در کشورهای گوناگون، از جمله انگلیس و آمریکا، درس داده و سخنرانی‌های بسیار نموده است. کتاب مشهور او حقیقت و روش *Wahrheit und Method* (۱۹۶۰)، اثر پایه‌ای هرمنوتیک فلسفی در دانشگاه‌ها و در دنیای فلسفه‌ی پس از جنگ است. در سال ۱۹۹۵ آخرین و دهمین جلد از مجموعه‌ی آثار خود را به چاپ رساند که در برگزیده‌ی آثار فلسفی؛ هرمنوتیک؛ اخلاق؛ فلسفه‌ی یونان و فلسفه‌ی نو؛ زیبایی‌شناسی؛ و شعر می‌باشد. جشن نامه گادامر نیز در جشن ۹۰ سالگی او در آلمان به چاپ رسید که به انگلیسی هم ترجمه شده.

کتاب مطالعه یا کتاب درسی *Lesebuch* گادامر که با پیشگفتار ژان گروپدین و کارنامه‌ی زندگی خود نوشت گادامر به تازگی، ۱۹۹۷، به چاپ رسیده، در برگزیده‌ی چهار بخش اصلی است:

(الف) هرمنوتیک

۱. هرمنوتیک کلاسیک و فلسفی (۱۹۶۸)

۲. مسایل کلی هرمنوتیک (۱۹۶۶)

۳. زبان و فهم (۱۹۷۰)

۴. درباره امکان فلسفه اخلاق (۱۹۶۳)

۵. از واژه تا مفهوم (۱۹۹۵)

(ب) زیبایی‌شناسی

۱. زیبایی‌شناسی و هرمنوتیک (۱۹۶۴)

۲. حقیقت واژه‌ها (۱۹۷۱)

۳. متن و تفسیر (۱۹۸۳)

۴. واژه و تصویر (۱۹۹۲)

(ج) فلسفه و تاریخ آن

۱. فلسفه یونانی و اندیشه‌ی مدرن (۱۹۷۸)

۲. افلاطون همچون تمثیل‌گر (تصویرگر) (۱۹۸۸)

۳. میراث هگل (۱۹۸۰)

۴. هایدگر و زبان متافیزیکی (۱۹۶۸)

۵. هرمنوتیک و تمایز هستی‌شناسانه (۱۹۸۹)

(د) گادامر و مسأله‌ی گفتار

۱. بازنگری گفت‌وگو [گفتار] در آثار کلی (۱۹۹۶)

پی‌گفتار (پس‌گفتار)

فهرست نام‌ها

فهرست اصطلاح‌ها

در سفر آخری که سال گذشته به ۸ کشور جهان برای سخنرانی در کنگره‌ها و دانشگاه‌های گوناگون به ویژه در دانشگاه‌های آلمان داشتیم، فرصتی پیش آمد که از نزدیک با دانشمندان، ایران‌شناسان نامدار و آخرین نسل بازمانده‌ی فیلسوفان هستی‌گرای آلمان، فیلسوف و دانشمند برجسته، گادامر، هم‌گفت‌وگوهای اندیشمندانه داشته باشیم که به زودی در یک کتاب چاپ خواهد شد. در گفت‌وگوی صمیمانه و ژرف با گادامر در خانه‌اش، موضوع‌های مهم فلسفی؛ زبان و جهان کنونی و مهم‌تر از همه، جایگاه فیلسوف در زمانه‌ی خود؛ و جنگ دوم، مورد بحث قرار گرفت. □



Gadamer, Hans Georg: *Gadamer Lesebuch*. hrsg. von Jean Grondin. - Tübingen: Mohr 1997.

با انقلاب سوم کپرنیکی نیچه، فلسفه‌ی پس از کانت که با انقلاب کپرنیکی دوم او دچار دگرگونی‌های اساسی در عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی محض به عنوان بنیادهای شناخت و نیز شناخت‌شناسی؛ مقوله‌ی زمان؛ فلسفه اخلاق و زیبایی‌شناسی شده بود، به جهشی نو دست یافت. پیامد انقلاب فلسفی نیچه، نه تنها فلسفه همچون فیزیک کپرنیکی به معنای راستین خود ره یافت و بر هنجار هستی ژرف پویش آغاز نهاد که نقد بنیادی مدرنیته، دانش‌شناسی؛ فلسفه‌ی اخلاق؛ هنر و زیبایی‌شناسی؛ ایدئولوژی مذهبی؛ سیاست و علم تاریخ و جامعه‌شناسی با درنگ‌های گوناگون نتیجه در این زمینه‌ها، به گوهر هستی‌گرایانه خود با رهیافتی فرازجویانه و نقاد درآمد. در این رهگذار، فلسفه و هنر و در یک کلام، تمامی زمینه‌های دانش انسانی از اندیشه‌های نیچه تأثیر پذیرفت. از میان فیلسوفان هستی‌گرا با آن‌که هایدگر سامان اندیشگی خود را بر جهان بینی نیچه استوار کرد، اما در این ره پویی به گوهر راستین آن دست نیافت و به راهی دیگر رفت. گادامر در جایگاه فیلسوف هستی‌گرا و فراز جو، با دریافت نگرش ژرف نیچه و به گفته‌ی او، هم‌کودک زمان خود شد و هم‌چیره بر آن و رها از کژاندیشی‌های درنگ نایافته.

هانس گئورگ گادامر در سال ۱۹۰۰ در شهر ماربورگ آلمان زاده شد. دکترای فلسفه‌ی خود را به سال ۱۹۲۲ با پاول ناترپ و رساله‌ی استادی خود را با مارتین هایدگر گذراند؛ مدتی تا سال ۱۹۲۹ به آموزش خصوصی پرداخت. از سال ۱۹۳۹ با عنوان پروفیسوری در دانشگاه لایپزیگ؛ از سال ۱۹۴۷-۱۹۳۹ در دانشگاه فرانکفورت؛ و از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۸، زمان بازنشستگی، در دانشگاه معروف هایدلبرگ تدریس کرد. جالب این‌که، خود

کلمه «فضول» را به فتح اول ضبط و معنای آن را به صورت «کسی که به چیزهای زاید و لایعنی اشتغال کند» ضبط کرده‌اند.

در حالیکه «فضول» در این بیت به ضم اول بوده و به معنای یاوه‌گویی می‌باشد.

- ص ۱۳۹ بیت ۶۹۰

نور خواهی به دست موسی وار

دست در گرد جیب خویش بر آر

در مورد این بیت مرقوم فرموده‌اند:

بیت اشاره دارد به آیه شریفه «وَنَزَّغُ يَدَهُ فَإِنَّا هِيَ بِيضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ» (اعراف: ۱۰۸/۷)

در حالی که اگر بخواهیم دقیقاً اشاره و تلمیح بیت را بگوئیم بیت اشاره دارد به آیه شریفه: «وَأَذِلُّ يَدَكَ فَيَجِيكَ تَخْرُجُ بِيضَاءً مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ» (نمل: ۱۲/۲۷) و نیز اشاره دارد به آیه شریفه ۲۲ از سوره قصص.

- صفحه ۱۶۲ بیت ۸۹۷

نوح را عمر جمله ده صد بود

حرص و امید او بر آن آسود

در توضیحات این بیت به جای «نوح را عمر»، به صورت «عمر را نوح» ضبط شده که غلط چاپی بوده و مرقوم فرموده‌اند که:

در قرآن مجید مدت بودن او در نبوت پیش از طوفان ۹۵۰ سال ذکر شده است:

«قَلْبَتْ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ أَوْ يَزِيدُونَ» (الصافات/۱۳۷) که در این صورت آیه ۱۴ سوره عنکبوت و آیه ۱۴۷ سوره صافات با هم درآمخته شده و به صورت غلط چاپ شده است و درست آن بدین صورت است:

«قَلْبَتْ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» (عنکبوت: ۱۴/۲۹)

- صفحه ۱۶۲ بیت ۹۱۹

گرچه روده چون زخم شانه؟

بر ره سیل چون گنم خانه؟

آقای دکتر اشرف زاده «گرچه روده» را به معنای «کلاف نخ در هم رفته» ضبط کرده‌اند. در حالیکه کلمه روده ورود به معنای مرغ یا گوسفندی است که همه پر و موی او را کاملاً کنده و به روغن بریان کرده باشند و نیز به معنای درخت برگ ریخته می‌باشد. و گربه روده به معنای گربه‌ای است که موهایش ریخته شده باشد. آنچه در این جا ذکر شد صرفاً برای کامل تر شدن اثری است که انجام آن در واقع یک اقدام مهم و جدی بوده است. توفیقات روز افزون مؤلف فاضل را در ارائه آثار پر بارتر از ایزد متعال خواهانیم. □

پرنوشت:

۱- این بیت معروف را قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین به نام مولانا ذکر کرده است.

۲- کلیات شمس، استاد فروزفر، ص ۳۳۹.

۳- ترک جوشی کرده‌ام من نیم خام

از حکیم غزنوی بشنو تمام

در الهی نامه گوید شرح این

آن حکیم غیب و فخر لعارین

۳- «و من كان في هذه اعمى فهو في الآخرة اعمى و اصل صبیلا» (سری: ۳۲/۱۷)